یادداشت روز

آغازی بر تغییر معادله در جنگ یمن

«اجلاس اضطراری» نهم خرداد ماه مکه که از سوی پادشاه سعودی درخواست شده به تنهایی از بهم‌ریختگی حکومت عربستان پس از عملیات برق‌آسا و حیرت‌انگیز بندر حساس «فجیره» و عملیات دیگری که فردای آن روز دو بندر سعودی حاشیه دریای سرخ را هدف قرار داد و برای ساعاتی صادرات نفت عربستان را به صفر رسانید، حکایت می‌کند. سلمان از سران کشورهای عربی و به خصوص شش عضو شورای همکاری خلیج فارس که روزگاری تحت سیطره مطلق ریاض قرار داشتند، خواسته است تا برای «اتخاذ موضع واحد در خصوص تحولات منطقه» در مکه گرد هم آیند. این درخواست ۲۸ اردیبهشت از طریق وزارت خارجه عربستان تسلیم کشورهای عربی شده و خود این که ریاض برای گرد هم آوردن سران عربی به دو هفته وقت احتیاج دارد، نشان‌دهنده مشکلات پیش روی رژیم سعودی حتی در حوزه عربی و نیز حتی در میان کشورهای ضعیف عربی عضو شورای همکاری است.

مقامات سعودی با صرف مبالغ زیادی پول در کشورهای اسلامی و به خصوص در کشورهای عربی سعی کرده‌اند تا جبهه‌ای اسلامی - عربی با محوریت خود به وجود آورند. بر این اساس آنان در جریان آغاز جنگ علیه یمن در ششم فروردین ۱۳۹۴ روی حمایت گسترده و مؤثر این کشورها حساب کرده بودند و این در حالی بود که یمنی‌ها در میان کشورهای عربی و اسلامی- به جز ایران پناهی نداشتند و هیچ دلیل سیاسی برای ترجیح آنان بر رژیم «دست و دل باز» سعودی وجود نداشت. اما وقتی در همان ماه‌های اول کشورهای بزرگ اسلامی شامل مصر، ترکیه و پاکستان از سیاست ضد یمنی سعودی تبعیت نکردند و بعضاً شروع به انتقاد از ریاض هم نمودند، مقامات عربستان به اشتباه محاسبه خود پی بردند. کمی بعد سه کشور پیرامونی عربستان یعنی عمان، قطر و کویت نیز از ادامه جنگ علیه یمن انتقاد کردند.

از آن طرف، یمنی‌ها ۵۰ ماه پس از تحمل جنگی نابرابر نه تنها ضعیف نشدند بلکه با مقاومت مردانه خود راه حرکت ماشین جنگی سعودی و امارات که آشکارا از سوی قوای نظامی آمریکا، انگلیس و فرانسه در منطقه حمایت جدی می‌شد را سد کردند. اما امروز آنان تاکتیک‌های جدیدی هم اتخاذ کرده‌اند که سبب وحشت زیاد رژیم‌های متجاوز سعودی و امارات شده است. بر این اساس وزیر خارجه امارات حمله برق‌آسا و پرقدرت موشکی علیه بندر استراتژیک «فجیره» - که دلیلی بر منشأ یمنی آن هم وجود ندارد - را «تحولی خطرناک» خواند و وزیر مشاور در امور خارجی عربستان با اذعان به توقف چند ساعته صادرات نفت کشور خود گفت: سلمان از حمله پهپادی یمنی‌ها به دو بندر مهم صادرات نفت عربستان یعنی «الدوادمی» و «عفیف» بشدت نگران شده است.

یمنی‌ها حمله به نقاط حساس سعودی در عمق این کشور را یک دستور کار جدید و جدی اعلام کرده‌اند آنان با صراحت می‌گویند اقدام عملیاتی علیه دو بندر سعودی که در فاصله ۸۰۰ و ۸۵۰ کیلومتری از مرزهای شمالی یمن قرار داشته را لااقل به ۳۰۰ هدف نظامی و حیاتی دیگر عربستان گسترش خواهند داد. در این میان دو نکته اساسی وجود دارد. نکته اول این است که حرکت پهپادهای یمنی در ارتفاع پایین و در عین حال عبور در یک مسیر طولانی بدون آنکه مورد شناسایی واقع شده باشند و بدون آنکه این مسیر طولانی باعث اتمام سوخت آنان گردد، به رژیم سعودی یادآور می‌شود که یمنی‌ها به موقعیت جدیدی دست یافته و واقعاً می‌توانند صادرات نفت عربستان را به صفر برسانند در واقع پهپادهایی که توانستند علاوه بر حفظ سوخت، موشک‌هایی را با خود حمل کرده و با دقت به ایستگاه‌های نفتی عربستان در دو بندر واقع در شمال دریای سرخ شلیک کنند، به یک کابوس برای سران سعودی، اسرائیل و آمریکا تبدیل شده‌اند و به قول وزیر خارجه امارات «تحولی خطرناک» در جنگ یمن و به طور کلی در منازعات منطقه‌ای به حساب می‌آید. این نکته را در نظر داشته باشیم که عربستان و آمریکا برای تضمین امنیت منطقه حساس نفتی شمال غرب عربستان هزینه‌های هنگفتی کرده بودند و اطمینان داشتند که تهدیدی متوجه تأسیسات این منطقه نیست. بر این اساس حدود دو سال پیش شرکت آرامکو - مشترک بین آمریکا و عربستان - در زمانی که فرضیه گسترش جنگ یمن و به مخاطره افتادن امنیت خطوط انتقال نفت در بنادر غرب عربستان مطرح شد، در بیانیه‌ای اعلام کرد، سیستم دفاعی این میادین استراتژیک نفتی امکان تعرض به آنها را از میان برده است.

نکته دیگر این است که پهپادهای تهاجمی انصارالله که دوادمی و قطیف را مورد حمله قرار دادند، می‌توانند ریاض را نیز مورد حمله قرار دهند. چرا که فاصله این دو شهر از ریاض به ترتیب بیش از ۲۳۰ و ۳۹۰ کیلومتر نیست و عملیات پهپادی «نهم رمضان» می‌تواند در روزهای آینده علیه ریاض به کارگرفته شود. هر چند حساسیت مناطق نفتی سعودی کمتر از اهمیت پایتخت هم نیست.

در شرایطی که مقامات سعودی و امارات از «تحول خطرناک» در مسایل امنیتی منطقه سخن می‌گویند، توقع هماهنگی کامل عربی با آنان و کنار گذاشتن - ولو موقت - اختلافات تا حدی بدیهی هم به نظر می‌رسد، اما جالب این است که حتی در این شرایط کشورهای عربی، خود سعودی و امارات را در این رخدادها «مقصر اول» به حساب می‌آورند! روزنامه کویتی «القبس» اگرچه مواضع ضد ایرانی آن مشهور است، دو روز پیش نوشت: راه‌حل، تشدید فشار بر ایران نیست و لااقل سه کشور عربی خلیج فارس - عمان، قطر و کویت - با سعودی‌ها و اماراتی‌ها هم نظر نیستند این روزنامه نوشت: حتی آمریکایی‌ها نیز تمایلی به تنش جدید امنیتی با ایران ندارند.

در این میان تهاجم برق‌آسا و ویرانگر علیه بندر «فجیره»، خطرات بزرگ ادامه جنگ یمن را به مقامات این کشور و به آمریکایی‌ها که حفاظت از این بندر را برعهده دارند و شریک امارات در صادرات نفت از این بندر می‌باشند، گوشزد کرده است. بندر فجیره به دلیل وجود ترمینال‌های بزرگ نفتی و صادرات نفت خام امارات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امارات با هدف رهایی از خطرات ناشی از وابستگی به تنگه هرمز، در دهه اخیر تلاش زیادی کرد تا خط لوله‌ای تا بندر فجیره - در سواحل جنوبی دریای عمان - احداث کند. این خط لوله سه سال پیش عملیاتی شد و توانست حدود ۷۰ درصد صادرات نفت امارات را به این بندر منتقل نماید. بر این اساس حاکم فجیره در آذر ۱۳۹۵ با اشاره به احداث این خط لوله گفت: «تهدید به بستن تنگه هرمز به تاریخ پیوست». چندی پیش فرمانده مشترک ارتش آمریکا اعلام کرده بود: «آمریکا با همکاری متحدان خود در منطقه، آزادی کشتیرانی و نقل و انتقال نفت از تنگه هرمز را تضمین خواهد کرد.»

از این رو واقعه روز دوشنبه هفته پیش واقعاً یک تحول استراتژیک به حساب می‌آید و سبب نگرانی شدید آمریکایی‌ها، سعودی‌ها و اماراتی‌ها شده و البته متقابلاً ملت‌ها و کشورهای مخالف آنان را بشدت خوشحال کرده است. عبور محموله‌های مرموزی که دست‌کم به چهار کشتی بزرگ در این بندر اصابت کرده‌اند، دربردارنده چند نکته مهم می‌باشد: نکته اول عبور این موشک‌ها با هر محموله دیگر از سامانه پرهزینه دفاعی آمریکایی در این منطقه است. این ماجرا نشان داد سامانه آمریکا در این منطقه در نادیده گرفتن موشک‌های مهاجم دست کمی از سامانه «گنبد آهنین» نداشته! و از این پس جایی برای مانور روی سامانه‌های پاتریوت و بی ۵۲ و... وجود ندارد. نکته دوم این است که همه اهداف منهدم شده‌اند و در این تهاجم خطایی اتفاق نیفتاده است و این برتری تجهیزات نیروی مهاجم به نسبت تجهیزات طرف‌های متجاوز در منطقه را ثابت می‌کند. نکته دیگر این است که دقیقاً کشورهای مورد اشاره برای آنکه ضعف‌های اساسی آنان کمتر به چشم آید، ترجیح دادند که از کنار ماجرای فجیره و دو بندر سعودی واقع در مناطق میانی دریای سرخ به آرامی عبور نمایند و بر این افتضاح سرپوش بگذارند.

دوم اینکه یمنی‌ها به موازات خارج کردن نیروهای خود از بنادر استان حدیده که براساس توافق استکهلم و به طرزی هوشمندانه صورت گرفت، تهاجم به مناطق از دست رفته در جنوب را آغاز کرده‌اند. انصارالله در هفته‌های اخیر با وارد کردن ضربات شدید به نیروهای متجاوز سعودی و امارات و عوامل آنها، بخش‌هایی از دو استان بیضا و ضالع در جنوب را باز پس گرفته و بار دیگر به تنگه باب‌المندب نزدیک شده‌اند. عملیات جنوب، نیروهای منفعل حراک جنوب را فعال می‌کند کما اینکه در یک سال گذشته شاهد تظاهرات اعتراضی در استان‌های جنوب علیه نیروهای عربستان و امارات بوده‌ایم.

سوم اینکه نیروهای یمنی استان‌های سعودی همجوار یمن را مورد تهاجم قرار داده و بخش‌هایی از استان «عسیر» را به تصرف درآورده‌اند. عملیات در جنوب یمن و عملیات علیه استان‌های جنوبی عربستان یک تحول استراتژیک به حساب می‌آید این عملیات‌ها نشان می‌دهد که انصارالله پس از یک دوره عملیات‌های تدافعی با هدف خنثی کردن حملات هوایی و زمینی سعودی به شمال یمن، وارد دوره‌ای تهاجمی شده‌اند. این موضوع ضمن آنکه نشان‌دهنده شکست عملیات نظامی ائتلاف سعودی در یمن می‌باشد، از دست برتر انصارالله در جنگ فرسایشی حکایت می‌کند. این در حالی است که سعودی‌ها و اماراتی‌ها گمان می‌کردند عملیات‌های تهاجمی علیه انصارالله در استان‌های صنعا، صعده، حجه و حدیده، قدرت آنان را فرسوده کرده و راه برای غلبه بر آنان فراهم شده است. انصارالله هم‌اینک می‌تواند علاوه بر تکیه بر قدرت تهاجمی خود که با تولید انواعی از موشک‌های بومی همراه می‌باشد، روی فرسایش نیروهای متجاوز و اختلافات آنان سوار شود و متجاوزان را از یمن اخراج نماید.

کاملاً واضح است که آمریکایی‌ها در طول چهار سال گذشته از هیچ حمایتی از سعودی‌ها دریغ نکرده‌اند، عربستان و امارات را در اداره جنگ یمن ناتوان دانسته و از این پس در نتیجه‌بخش بودن سیاست خود دچار تردید شوند. مصوبه چندی پیش کنگره در توقف حمایت آمریکا از عملیات نظامی سعودی و امارات بر ضد یمن یک علامت مهم از تحول در جنگ یمن به حساب می‌آید. البته ترامپ این مصوبه را وتو کرد اما در این میان پنتاگون که مسئول ادامه حمایت نظامی از ائتلاف متجاوز در جنگ علیه یمن می‌باشد نیز بی‌میلی خود در ادامه حمایت را به دلیل ناتوانی سعودی‌ها و اماراتی‌ها بروز داده و از این رو لحن مقامات سعودی و امارات نسبت به عملکرد نیروهای نظامی آمریکا در منطقه انتقادی شده است. انفعال آمریکا و سیستم نظامی آن در جریان عملیات‌های فجیره و شمال غرب عربستان نشان داد که آمریکا یا توانایی دفاع از این دو کشور وابسته و سیاست‌های آنان ندارد و یا تمایلی به ادامه حمایت بی‌نتیجه از آنان ندارد که در هر دو صورت شرایط ادامه کار برای امارات و عربستان بیش از پیش پیچیده‌تر می‌شود.

اکنون فرصت آن است که این فرضیه دونالد ترامپ که می‌گوید این حمایت ماست که عربستان و امارات را سرپا نگه داشته است باطل شود. همه باید بدانند که حتی حمایت‌های آمریکا هم قادر نیست حیات این رژیم‌های نامشروع متجاوز را تضمین نماید. اکنون وقت آن است که تهاجمات پی در پی برای از صحنه خارج کردن رژیم‌های شرور عربستان و امارات ادامه یابد و مهم‌ترین منبع مالی سیاست‌های نظامی و سلطه‌طلبانه آمریکا در منطقه از بین برود. امروز این نه فقط خواسته‌ای ایرانی بلکه خواسته‌ای است که از سوی ملت‌های منطقه و بسیاری از دولت‌های آن به طور آشکار یا غیرآشکار حمایت می‌شود. عملکرد عربستان طی سال‌های اخیر نشان داد که منبع تولید تروریزم تکفیری و تأمین‌کننده مالی تروریزم غربی است. به این جهت امروز عربستان چه از بعد وجهه مذهبی و چه از بعد وجهه سیاسی منفورترین کشور در منطقه پس از رژیم صهیونیستی است. رژیم سعودی با برخورداری از ایدئولوژی تکفیری و با شدت وابستگی به آمریکا قابل اصلاح نیست و از این رو منطقه اسلامی ما باید جراحی شود و این زائده سرطانی از آن جدا گردد.

سعدالله زارعی

واشنگتن پست: جنگ با ایران مادر تمام باتلاق‌ها خواهد بود

یک روزنامه آمریکایی با اشاره به توانمندی‌های ایران برای مقابله با هرگونه اقدامات تحریک‌آمیز آمریکا، تأکید کرد که آمریکا نباید برای اقدام نظامی علیه ایران ریسک کند زیرا جنگ با ایران مادر تمام باتلاق‌ها خواهد بود.

روزنامه آمریکایی واشنگتن‌پست در گزارشی به تنش‌های اخیر در منطقه غرب آسیااشاره کرد و نوشت که درگیری نظامی با ایران «مادر تمام باتلاق‌ها» خواهد بود.

در این گزارش آمده است که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا به طور موقت از تنش‌ها علیه ایران در روزهای گذشته کم کرده بود که در اقدامی، مجدداً با انتشار توییتی بر این تنش‌ها دامن زد.

ترامپ روز یکشنبه هفته جاری، در یک پیام توییتری تهدیدآمیز نوشت: «اگر ایران خواستار جنگ باشد، پایان رسمی ایران خواهد بود. هرگز دیگر آمریکا را تهدید نکنید».

طبق این گزارش، طرفداران سیاست‌های ترامپ در قبال ایران، در پی انتشار این توییت تهدیدآمیز، واکنش‌های قابل تأملی از خود نشان دادند به طوری که سناتور «مارکو روبیو» از ایالت «فلوریدا» هشدار داد: «حمله = پاسخ قطعی».

«تام کاتن» سناتور جمهوری‌خواه که مواضع تندی در قبال ایران دارد نیز در پی پیام توییتری ترامپ تصریح کرد: «اگر ایران علیه آمریکا یا همپیمانان ما در منطقه اقدام نظامی انجام دهد، قطعاً انتظار یک واکنش مخرب علیه ایران را خواهیم داشت». واشنگتن‌پست سپس با اشاره به تمامی این لفاظی‌های جنگ‌طلبانه مقامات آمریکایی ادامه داد که این رجزخوانی‌ها، تند و به شدت از واقعیت به دور است.

نویسنده این گزارش تأکید کرد که بررسی قابلیت‌های ایران نشان می‌دهد که هیچ گزینه نظامی علیه ایران قاطعانه یا کم‌هزینه نخواهد بود بلکه جنگ با ایران، مادر تمام باتلاق‌ها خواهد بود.

«مکس بوت» نویسنده گزارش واشنگتن‌پست که خود از حمایتش از جنگ عراق ابراز پشیمانی می‌کند، در ادامه به وخامت تقابل احتمالی با ایران‌اشاره می‌کند و می‌نویسد: «(تقابل با ایران)، مادر همه باتلاق‌ها خواهد بود: تقابلی که جنگ عراق را به وجود آورد-و من در حال حاضر از حمایت از آن بسیار پشیمان هستم- در مقایسه (با تقابل احتمالی با ایران) هیچ است.

ناتوانی آمریکا

طبق این گزارش، ایران سامانه «اس-۳۰۰» یعنی پیشرفته‌ترین پدافندی که تاکنون جنگنده‌های آمریکایی با آن روبرو بوده‌اند را در اختیار دارد و تقابل با ایران اقدام ساده‌ای برای نیروی هوایی و دریایی آمریکا نخواهد بود و تعداد زیادی از خلبانان و هواپیماهای آمریکایی در این تقابل احتمالی از بین خواهند رفت.

این گزارش سپس به ناکامی‌های آمریکا در بمباران دیگر کشورهااشاره کرد و نوشت، آمریکا شمال ویتنام، کامبوج و لائوس را برای سال‌ها بمباران کرد و سه برابر مجموع مهمات مورد استفاده کشورها در جنگ دوم جهانی را علیه این کشورها به کار برد، و با این وجود، در جنگ ویتنام شکست خورد.

طبق این گزارش، حملات هوایی در اغلب موارد، زمانی قاطعانه خواهد بود که همراه با حملات زمینی باشد که آمریکا فاقد یک گزینه زمینی واقع‌بینانه است. ایران در مقایسه با عراق هم از نظر وسعت و هم جمعیت بسیار بزرگ‌تر است.

این گزارش سپس در توضیح ناتوانی آمریکا در اعزام نیرو به ایران نوشت، ریاضیات اقدام نظامی حاکی از آن است که آمریکا و همپیمانان این کشور به ۶۰۰ هزار نظامی در عراق نیاز داشتند که البته هرگز این هدف محقق نشد و آمریکا و همپیمانانش هرگز بیش از ۱۸۰ هزار نظامی در عراق نداشتند. طبق همین محاسبات، آمریکا به ۱/۶ میلیون نظامی برای اعزام به ایران نیاز دارد، در حالی که مجموع نیروهای ارتش و تفنگداران آمریکایی ۶۵۴۴۰۳ نفر، یعنی نصف مقدار مورد نیاز است.

طبق گزارش ۲۰۱۱ مرکز ارزیابی‌های راهبردی و بودجه آمریکا، ایران قادر است با تاکتیک‌های «تامتقارن»، پاسخ حملات هوایی آمریکا را بدهد.

بنا بر ارزیابی‌های سال ۲۰۱۱، ایران قادر است از ترکیبی از موشک‌های ضدکشتی کروز، پهپادها، زیردریایی‌ها، کشتی‌های کوچک و مین برای «حمله» به ناوهای آمریکا در آب‌های خلیج‌فارس استفاده کند.

بنا به گزارش روزنامه واشنگتن‌پست، طبق ارزیابی مرکز ارزیابی‌های راهبردی و بودجه آمریکا، ایران قادر است پایگاه‌های آمریکا در منطقه را با زرادخانه‌های حدود دو هزار موشک خود هدف قرار دهد و همچنین ایران قادر است شبکه‌های رایانه‌ای آمریکا را با حملات سایبری فلج کند.

به گزارش فارس، واشنگتن پست سپس با اشاره به قابلیت‌های ایران برای مقابله با آمریکا نوشت که واشنگتن در مقابل ایران چه خواهد کرد؟ تعدادی موشک کروز و تعدادی بمب پرتاب می‌کند؟ حتی تصور اینکه ترامپ یک هولوکاست هسته‌ای به راه بیاندازد تا به معنای واقعی کلمه به ایران «پایان» دهد نیز سخت است. نویسنده واشنگتن‌پست در پایان گزارش خود به جمله‌ای از ژنرال «دیوید پترائوس» از فرماندهان سابق ناتواشاره کرد که در حین حمله ۲۰۰۳ به عراق گفت: «به من بگویید که چگونه (جنگ عراق) پایان می‌یابد». «جورج بوش» رئیس‌جمهور وقت آمریکا هیچ ایده‌ای درباره پایان جنگ عراق نداشت. به همین ترتیب، امروز نیز جنگ‌طلبان در داخل و خارج از دولت ترامپ، هیچ ایده‌ای درباره چگونگی پایان جنگ با ایران ندارند و بهتر است برای آغاز چنین جنگی با ایران ریسک نکنند.

همصدایی انگلیس با آمریکا

«پنی موردانت» وزیر دفاع جدید انگلیس در اظهاراتی گستاخانه، به حمایت از موضع ضدایرانی آمریکا پرداخت و گفت در صورت بروز درگیری نظامی، لندن از واشنگتن حمایت می‌کند.

به نوشته پایگاه «هرالد»، موردانت که در جلسه پارلمان انگلیس صحبت می‌کرد، در پاسخ به این سؤال که اگر تنش در خلیج‌فارس جدی شود، آیا ارتش انگلیس از آمریکا حمایت می‌کند، گفت: بله، و ما همین الان هم در آن منطقه مستقر هستیم. هفته گذشته معاون انگلیسی ائتلاف تحت رهبری آمریکا در عراق و سوریه ادعای واشنگتن مبنی بر افزایش «تهدیدات ایران» در منطقه را رد کرد. پس از اظهارات این ژنرال بلندپایه، رسانه‌های انگلیسی گزارش دادند که لندن در واکنش به ناخرسندی واشنگتن از این اظهارات، به دنبال راهی برای جبران است. از آن پس لندن موضعی ضدایرانی اتخاذ کرده و به حمایت از واشنگتن پرداخته است.

ادعای ترامپ

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مدعی شد ایران در زمان مقتضی برای مذاکره با آمریکا تماس خواهد گرفت.

دونالد ترامپ روز دوشنبه در حساب رسمی خود در توئیتر نوشت: ایران هرگاه آمادگی داشته باشد، با ما تماس خواهد گرفت. در عین حال اقتصاد آنها همچنان در حال سقوط است. برای مردم ایران خیلی ناراحتم.

وی در یک پیام توئیتری دیگر تصریح کرد: رسانه‌های دروغ‌پرداز خبرهای اغلب نادرستی را [درخصوص ایران] منتشر می‌کنند؛ در حالی که آنها چیزی در مورد اینکه آمریکا برای مذاکره با ایران تلاش کرده است یا خیر، نمی‌دانند. این گزارش‌ها نادرست هستند.

رئیس‌جمهور آمریکا چندی پیش اعلام کرده بود که دوست دارد مقامات ایران با وی تماس بگیرند.

ترامپ در ابتدا از تهدید به تقابل نظامی با ایران دم زد و وقتی نشانه‌ای از عقب‌نشینی مشاهده نکرد، به تمنای مذاکره روی آورد و حتی شماره تماسی را نیز در اختیار سفارت سوئیس در تهران (حافظ منافع آمریکا) قرار داد تا در صورت لزوم به مقامات ایران تحویل داده شود.

با این حال ایران تأکید کرده است که هرگز تحت فشار تن به مذاکره با آمریکا نخواهد داد و ایران کشوری نیست که تسلیم خواسته‌های یک رژیم زورگو شود.

پایگاه تحلیلی پالتیکو در گزارشی نوشت: جمهوری‌خواهان سنا تأکید کردند که رئیس‌جمهور آمریکا برخلاف لفاظی‌های جنگ‌طلبانه، خواستار جنگ با ایران نیست و جمهوری‌خواهان نیز چنین چیزی را خواستار نیستند.

دلیل عدم مذاکره با آمریکا

روزنامه الشروق تونس در گزارشی نوشت: چرا ایران اصرار آمریکا برای مذاکره را رد می‌کند؟ پاسخ این است که تهران به خوبی می‌داند که موجود آمریکایی هدف نهایی‌اش مذاکره نیست بلکه تلاش می‌کند آنچه می‌خواهد، دیکته کند و با تهدید و تشدید تنش، میز مذاکره را به میدانی برای تحمیل دیکته‌های خود تبدیل کند.

یکی از سخنگویان وزارت خارجه چین در نشست مطبوعاتی هفتگی از روابط تجاری و اقتصادی پکن- تهران دفاع کرد و آن‌را قانونی برشمرد.

این دیپلمات چینی در ادامه توضیح داد: موضع چین در این مورد بسیار روشن است. روابط عادی اقتصادی و تجاری بین چین و ایران مشروع و قانونی است و نباید کسی آن را متوقف کند.

چین بارها مخالفت خود با اقدام‌های ضدایرانی آمریکا را ابراز داشته است. این کشور از جمله خریداران عمده نفت خام از ایران است.

«وو مورالس» رئیس‌جمهور بولیوی تهدیدات آمریکا علیه ایران را محکوم کرده و گفت که اقدامات اخیر آمریکا در راستای تقویت صنایع نظامی این کشور است.

به گزارش خبرگزاری‌ها، مجید تخت روانچی سفیر و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل و رئیس‌شورای امنیت تصریح کرد: دنبال جنگ نیستیم، ولی اگر تحمیل شود، قاطعانه دفاع می‌کنیم.

گفت و شنود

افسار!

گفت: پادشاه عربستان از کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس برای شرکت در یک «اجلاس اضطراری» دعوت کرده است تا درباره تحولات منطقه رایزنی کنند!

گفتم: رزمندگان انصارالله بدجوری پوزه این خوک‌های کثیف را به خاک مالیده‌اند!

گفت: مگر ترامپ نمی‌گفت، حمایت آمریکاست که آل‌سعود و امارات را سرپا نگه داشته، پس چی شد؟! چرا نتوانست جلوی حمله جانانه انصارالله را بگیرد؟!

گفتم: وقتی آمریکا حریف انصارالله نیست، از چندتا کشور فسقلی عرب شورای همکاری خلیج‌فارس چه کاری ساخته است؟!

گفت: چه عرض کنم؟! حیوونکی‌ها چی فکر می‌کردند، چی شد؟!

گفتم: یارو رفته بود الاغشو بفروشه، چرتش گرفت و خوابید. وقتی بیدار شد، دید افسار گردنشه و الاغش داره پول می‌شمره!

آیت‌الله شبستری: پالرمو و CFT از دستور کار مجمع تشخیص مصلحت خارج نشده است

سه عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام اخبار منتشرشده مبنی بر خارج‌شدن دو لایحه پالرمو و CFT از دستور کار مجمع تشخیص را رد کردند.

آیت‌الله محسن مجتهدشبستری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با تسنیم، درباره برخی اخبار منتشرشده مبنی بر خارج شدن دو لایحه پالرمو و CFT از دستور کار مجمع تشخیص گفت: بررسی این لوایح از دستور کار مجمع خارج نشده و هم‌اکنون در کمیسیون‌های تخصصی مجمع در حال بررسی است.

وی افزود: به‌محض اتمام بررسی این دو لایحه در کمیسیون‌های تخصصی مجمع، این لوایح در دستور کار جلسات صحن مجمع نیز قرار خواهد گرفت.

همچنین مجید انصاری، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در گفت‌وگو با ایرنا با بیان این‌که CFT و پالرمو از دستور کار مجمع خارج نشده گفت: از ابتدا تصمیم گرفته شد لوایح پالرمو و CFT با هم در کمیسیون مربوطه در مجمع بررسی شود و خود مجمع تشخیص، درباره آن اظهارنظر کند.

انصاری در ادامه تأکید کرد: در حال حاضر CFT و پالرمو باید در کمیسیون مربوطه بررسی و گزارش آن به صحن فرستاده شود و صحن درباره آن تصمیم‌گیری کند، اما هنوز گزارش نظر کمیسیون به مجمع فرستاده نشده است.

احمد توکلی هم که با خبرآنلاین گفت‌وگو کرده، خبر خارج‌شدن دو لایحه پالرمو و CFT از دستور کار مجمع تشخیص را رد کرد و گفت: نه این لوایح از دستور کار مجمع خارج نشده است بلکه زمینه بررسی آن وجود ندارد.

گفتنی است محمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام روز دوشنبه در گفت‌وگو با همشهری از خارج شدن لوایح CFT و پالرمو از دستور کار مجمع تشخیص مصلحت نظام خبر داده و گفته بود: علت این امر را از دبیرخانه و رئیس‌مجمع بپرسید.

بر همین اساس بود که مصطفی کواکبیان نیز روز گذشته در جلسه علنی مجلس طی تذکری گفت: بیش از چهار ماه است که بحث CFT و پالرمو به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شده، اخیراً شنیدیم دبیر مجمع آن را از دستور کار خارج کرده و امیدواریم این موضوعی که شنیده‌ایم درست نباشد.

خبر ویژه

وقتی برنامه در دولت گم شده اختیارات بیشتر برای چه؟

رئیس جمهور می‌گوید امروز هم مانند دوره جنگ هشت ساله، به اختیارات ویژه نیاز داریم.

روحانی در دیدار جمعی از روحانیون با بیان اینکه برای مدیریت بهتر شرایط نیازمند تمرکز قدرت و تصمیم‌گیری هستیم، اظهار کرد: در دوران جنگ تحمیلی نیز در مقطعی که با مشکل مواجه شدیم، شورای عالی پشتیبانی جنگ ایجاد شد و همه اختیارات در دست این شورا بود و حتی مجلس شورای اسلامی و قوه‌قضائیه نیز در تصمیم‌گیری آن شورا دخالتی نداشتند و امروز هم در شرایط جنگ اقتصادی قرار داریم.

وی افزود: همانگونه که در جنگ ۸ ساله اختیارات ویژه‌ای را از امام راحل گرفته و توانستیم جنگ را اداره کنیم و حتی موفقیت‌های بسیاری را به دست آوریم امروز هم به چنین اختیاراتی نیاز داریم.

آقای روحانی البته توضیح نداده اختیارات بیشتر را برای چه کار می‌خواهد؟ چرا که به اذعان کارشناسان -حتی کارشناسان حامی- دولت فاقد طرح و برنامه روشن اقتصادی است و بیش از یک سال است روش آزمون و خطا را در پیش گرفته است. در واقع درست‌تر آن است که بگوییم دولت روحانی از سال ۹۲ به مدت ۶ سال، جز امید به برجام هیچ برنامه دیگری نداشته و حتی از یک سال قبل هم که آمریکا عملا برجام را باطل کرده، همچنان فاقد طرح و نقشه جایگزین است؛ و حال آنکه برجام، حتی در صورت برقراری هم نمی‌توانست جایگزین برنامه اقتصادی درونزا باشد.

بنابراین نخستین سوال این است که وقتی دولت مطلقا برنامه اقتصادی روشنی ندارد، افزایش اختیارات را می‌خواهد که دقیقا چه کند؟ آیا خسارت‌هایی نظیر واگذاری بی‌محابای ۱۸ میلیارد دلار ارز، خذف سهمیه‌بندی بنزین و قاچاق بی‌رویه حاصل از آن در کنار هزینه‌های ارزی چند میلیارد دلاری برای واردات بنزین، رکود شدید تولید در حوزه‌هایی مانند مسکن و غیر آن، تشدید تورم بی‌سابقه و... ، کم خسارتی بوده که دولت می‌خواهد با وجود بی‌برنامگی و به واسطه افزایش اختیارات، بر ابعاد همین خسارات بیافزاید؟

نکته دیگر این است که دولت اختیارات فراوان و بعضاً فراقانونی دریافت کرده با این وعده که نیاز مدیریت اقتصادی است. از جمله اختیاراتی که در حصول توافق نامتوازن برجام داشت و با فضاسازی مسموم، چنین القا کرد که رونق یا رکود اقتصاد کشور، معطل همین توافق است. دولت همچنین سهم سالانه صندوق توسعه ملی از درآمدهای نفتی و ارزی را از ۳۴ درصد مصوب در کانون برنامه پنج ساله توسعه، به ۱۰ درصد کاهش داد، تولید مسکن در کشور را با فخرفروشی حماقت‌آلود وزیر مربوطه به صفر رساند و مجلس را در موقع اتفاقات مختلف دور زد. اما حالا با همه این سوء تدبیرها، رئیس دولت همچنان مدعی است اختیاراتش کم است و لابد باید با تعطیلی مجلس و قوه قضائیه و مجمع تشخیص مصلحت نظام، دولت را مطلق‌العنان کرد تا به جای یک برجام، چند برجام انباشته از خسارت در حوزه توانمندی نظامی و اقتدار منطقه‌ای امضا کند و به جای تورم ۵۰ درصدی، تورمی ۱۰۰ درصد را به مردم ارزانی کند. جالب اینکه همین چند هفته قبل معاون اول رئیس‌جمهور از مردم و کارشناسان خواست نظر بدهند که سهمیه‌بندی و توزیع کوپنی کالا بهتر و به مصلحت‌تر است یا آزادسازی اقتصاد و آزاد کردن قیمت‌ها؛ یعنی دولت هنوز نمی‌داند با خودش چند چند است و می‌خواهد چه کار بکند اما فقط اختیار بیشتر و بیشتر می‌خواهد.

واقعیت تلخ دیگر این است که دولت بالغ بر ۱۱ ماه است سخنگو ندارد، چرا که تیم اقتصادی و مدیریتی آقای روحانی حرفی برای گفتن ندارد و کسی هم به همین دلیل نمی‌پذیرد سخنگوی دولتی باشد که به تعبیر علی صوفی (وزیر دولت اصلاحات و مشاور خاتمی) محبوبیتش زیر ۱۰ درصد رسیده است. واقعیت این است که دولتی با چنین کارنامه‌ای برای قصور و تقصیرهایش باید مؤاخذه شود و حساب پس بدهد. ضمن اینکه، قانون اساسی و تفکیک قوای ناشی از آن، اجازه تمرکز و خودکامگی و خود رأیی را به رئیس‌جمهور نمی‌دهد.

وقتی قدرت تخیل در دولت از عقل جلو می‌زند

رئیس جمهور در دیدار با جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر گفت: «بالاترین امتیاز هنرمندان خلاقیت است و این قدرت تخیل از فکر اندیشه و عقل بالاتر است. هنرمندان با این قدرت عجیب و سرمایه تخیل، آثار هنری خود را به جامعه عرضه می‌کنند.»

روزنامه رسالت در این زمینه نوشت: جناب رئیس‌جمهور، حرف دلشان را زدند و حکم به برتری تخیل بر عقل دادند و انصافا هم قول و فعل ایشان در این زمینه یکی است. این را می‌شود از تصمیم های سرنوشت سازی که برای کشور و مردم گرفتند تشخیص داد.

عقل می‌گفت وعده صد روزه دادن اشتباه است، اما تخیلات مؤید دادن این وعده ها بود، اما بعد از آنکه تخیل نتیجه نداد گفتند کسی که وعده ۱۰۰روزه بدهد عقل ندارد.

عقل می‌گفت به مذاکره با دشمن، بدبین باش، اما تخیل گفت به مذاکره خوش‌بین باشید و البته بعد از چند سال انتظار برای چیدن گلابی‌های برجام، شد آنچه شد.

عقل گفت دشمن را به دشمنی بگیرید، فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا اما تخیل گفت لبخند بزنید و نتیجه دیپلماسی لبخند را بعد از چند سال فرصت سوزی دیدیم.

عقل گفت با خدا ببندید، اوست قادر مطلق؛ اوست که عزیز و شکست ناپذیر است، ولی تخیل گفت با کدخدا می بندیم قدرت دست اوست. به زعم خودشان با کدخدا بستند و رفیق نیمه راهشان بزرگ‌ترین دستاوردشان را پاره کرد.

عقل گفت به تدریج و در فاصله‌های طولانی هم دشمن از دشمنی و تحریم دست برنمی‌دارد، اما تخیل گفت بالمره تحریم‌ها برداشته می‌شود. حالا اندرخم یک کوچه‌اند تا نفت‌شان را بشکه بشکه به این و آن بفروشند، چراکه هنوز سپیده صبح بدون تحریم، نزده است.

اصلا عقل چیست؟ بگذارید از لسان صادق آل محمد (ع) بخوانیم. از ایشان سؤال شد: «عقل چیست؟» فرمود: عقل آن است که به وسیله آن خدای رحمان پرستش شود و بهشت به‌دست آید. راوی گوید، عرض کردم: «پس آن‌چه معاویه داشت چه بود؟» حضرت فرمود: آن نیرنگ است، آن شیطنت است! آن نمایش عقل را دارد ولی عقل نیست.»تخیل اما خیال پردازی است؛ از واقع، بویی نبرده و شما و مُلک و ملت را به سرمنزل مقصود نمی رساند. شاید اشکال کار